

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال نهم، شماره بیست و چهارم، پاییز ۱۳۹۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۱۲

تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۶/۷

صفحات: ۸۷-۱۰۵

اقتصاد مقاومتی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی

دکتر هادی آجیلی*

استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی تهران

چکیده

جهانی شدن اقتصاد، حوزه‌های چهارگانه جهانی شدن تولید، سرمایه‌گذاری، تجارت و مالیه را در بر می‌گیرد. چنین شرایطی در چارچوب نظری وابستگی متقابل پیچیده، بیانگر در هم تنیدگی منافع کشورها در سطوح فراملی، ملی و فراملی است که بازیگران دولتی و غیردولتی را شامل می‌شود و نتیجه آن، تعریف منافع ملی کشورها در امتداد، تعامل و همبستگی منافع سایر کشورهاست. بر این اساس، سوال اصلی در این مقاله این است که در چنین شرایطی انتخاب راهبرد اقتصاد مقاومتی در ایران، چه مولفه‌هایی را باید در تعامل با حوزه بین‌المللی در نظر گیرد؟ نتیجه مقاله نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد، جمهوری اسلامی ایران، جهت تحقق کم هزینه‌تر اقتصاد مقاومتی، می‌بایست در حوزه نقاط قوت، مزیت‌های نسبی و رقابتی خود، در تعامل و در هم‌تنیدگی بیشتری با اقتصاد جهانی قرار گیرد، تا هزینه تحریم و تهدید نظامی در قبال خود را افزایش داده و منافع و امنیت ملی دیگر کشورها را در امتداد منافع و امنیت ملی خود قرار دهد. با این تحفظ که نقاط آسیب‌پذیر استراتژیک اقتصاد کشور، وابسته و در معرض تهدید قرار نگیرند.

کلید واژگان

جمهوری اسلامی ایران، اقتصاد مقاومتی، وابستگی متقابل پیچیده، جهانی شدن اقتصاد

* نویسنده مسئول: hadiajili@yahoo.com

مقدمه

از مقطع پس از جنگ جهانی دوم، منابع اقتصادی نقش تعیین کننده ای را در تعیین قدرت کشورها بازی کرده، و جایگزینی منطق ژئواکونومیک به جای ژئوپلیتیک در اولویت منافع ملی دولتها قرار گرفته است. توجه به شکل گیری نهادهای مهم مالی و اعتباری بین‌المللی در این اثنا گواه این ادعاست، از این پس عامل اقتصاد و بدست آوردن بازارهای جهانی و تاثیر گذاری عامل اقتصاد و به نوعی اقتصاد سیاسی - توجه دولتها به عوامل اقتصادی در سیاست بین‌الملل - در اولویت کشورها قرار گرفت. و به شکلی ویژه عوامل اقتصادی در عرصه سیاست از میانه دهه هفتاد میلادی و دهه هشتم به عنوان یکی از عناصر تاثیر گذار قدرت مورد توجه قرار گرفت. پس از فروپاشی بلوک شرق و دهه ۹۰ میلادی، در کنار اهمیت یافتن اقتصاد در عرصه بین‌المللی، جهانی شدن نیز مطرح میشود. جهانی شدن باعث کم‌رنگ شدن مرزها و همچنین کاهش تسلط دولت بر مرزهای خود شده است. با توجه به تعاریف و مفاهیم موجود در خصوص جهانی شدن، جهانی شدن اقتصاد زمانی تحقق می یابد که حدود جغرافیایی و حاکمیتی ملی در فعالیت‌های اقتصادی از قبیل تجارت، سرمایه گذاری تولیدو اتصالات مالی کمترین نقش را داشته باشد. در روند جهانی شدن اقتصاد، وابستگی اقتصاد کشورها به یکدیگر افزایش می یابد. افزایش رقابت از یک سو و وابستگی بیشتر اقتصاد کشورها به هم از سوی دیگر، شرایطی استثنایی را در صحنه جهانی پدید آورده است. در این شرایط رقبا برای اینکه بتوانند با هم به رقابت بپردازند در برخی شرایط حتی خواهان این می شوند که رقبای دیگر خود را تقویت کنند. جهانی شدن، اقتصادهای جهان را چنان به یکدیگر پیوند میزند که بروز یک بحران کوچک می تواند به سرعت گریبانگیر سایر کشورهای دیگر جهان نیز می شود. با بروز پدیده جهانی شدن اقتصاد و از میان برداشته شدن بسیاری از موانع تجاری موجود، زمینه نقل و انتقال سرمایه و منابع مالی گسترش خواهد یافت. حال سوال اینجاست که با توجه به شرایط اقتصاد جهانی و وابستگی متقابل پیچیده بین کشورها، انتخاب استراتژی اقتصاد مقاومتی در ایران چه مولفه‌هایی را باید در تعامل با حوزه بین‌المللی داشته باشد؟ یا به عبارت دیگر شیوه مواجهه اقتصاد مقاومتی با اقتصاد سیاسی جهانی شده چگونه باید باشد؟ در پاسخ با توجه به نظریه وابستگی متقابل پیچیده، باید اشاره شود که جمهوری اسلامی ایران جهت تحقق پایدارتر و کم‌هزینه‌تر اقتصاد مقاومتی در داخل، می‌بایست در حوزه نقاط قوت و مزیت‌های نسبی و رقابتی خود در

تعامل و درهم‌تنیدگی بیشتری با اقتصاد جهانی و سایر کشورها قرار گیرد، تا از این طریق هزینه تحریم و تهدید نظامی در قبال خود را افزایش داده، منافع و امنیت ملی دیگر کشورها در امتداد منافع و امنیت ملی خود قرار دهد، تا از این طریق نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد کشور در معرض تهدید قرار نگیرد. برای توضیح این فرضیه به موارد زیر در نوشتار اشاره شده است: نظام اقتصاد سیاسی جهانی؛ تعریف مفهومی از اقتصاد مقاومتی؛ دیدگاه مقام معظم رهبری در مورد اقتصاد مقاومتی؛ استراتژی‌های توسعه جهان سوم؛ توسعه صادرات و جایگزینی واردات؛ ضرورت اقتصاد مقاومتی در شرایط تحریم؛ دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران؛ و اقتصاد مقاومتی ایران در شرایط اقتصاد سیاسی جهانی.

۱. مبانی نظری: وابستگی متقابل پیچیده

نظریه وابستگی متقابل در دهه ۷۰ توسط نای و کوهن مطرح شد. نظرات آنها در واقع نقدی بر نظریات رئالیستی بود. وابستگی متقابل به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن بین کشورها یا بازیگران داخلی کشورهای مختلف تاثیرگذاری متقابل وجود دارد. نای و کوهن نظریه خود را با طرح مفهوم وابستگی متقابل پیچیده تکامل بخشیدند. با توجه به این مورد حوزه تعامل بین جوامع گسترش یافته و شامل روابط بین‌المللی دولتی و فرادولتی و فراملی میشود، بدین معنی که در این جوامع علاوه بر روابط سیاسی میان دولت‌ها، شکل‌های دیگری ارتباطات مانند ارتباطات فراملی میان شرکت‌های بازرگانی وجود دارد. (جکسون و سورنسون، ۱۳۸۵: ۷۰) در ضمن در حوزه روابط بین دولتی سلسله مراتبی وجود ندارد، یعنی امنیت نظامی درجه اهمیت خود را از دست داده و مسائل اقتصادی دارای الویت شده است. (بزرگی، ۱۳۸۷: ۱۵۰)

پس از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون اکثریت منازعات میان کشورهای جهان سوم اتفاق افتاده است، و این دلیلی است برای روی آوردن اقتصادهای بزرگ به همکاری و همگرایی بیشتر برای جلوگیری از جنگ‌هایی که به فرسایش منابع اقتصادی می‌انجامد.

نظریه پردازان وابستگی متقابل پیچیده عنوان می‌کنند که با افزایش مبادلات اقتصادی و تجاری احتمال وقوع ناامنی و جنگ کاهش می‌یابد و این شرایط باعث برقراری مناسبات صلح‌آمیز میان ملت‌ها می‌شود. البته ممکن است سطح و حجم مبادلات اقتصادی بین کشورها افزایش نیابد، اما وابستگی

متقابل و همگرایی آنها بیشتر شود. آنچه باعث این پدیده میشود، پدیده حساسیت است. حساسیت بدین معنی است که تحولات و روابط اقتصادی چندبازیگر بین‌المللی اهمیت و تاثیر فوق‌العاده‌ای برای دیگری دارد. (سلیمی، ۱۳۸۶: ۶۸-۶۲) این مساله باعث ایجاد درجه‌ای از همبستگی میان بازیگران اقتصادی می‌شود، زیرا آسیب‌پذیری آنها از هم بالا رفته و افزایش میزان همبستگی می‌تواند به افزایش منافع آنها بینجامد. (Keohane, 1984: 368-366)

همکاری اقتصادی دولت‌ها، براساس دستاوردهای مطلق با وجود امکان انتفاع طرف‌ها موجب انتفاع کلیه طرف‌های همکاری می‌شود. اگر اقتصاد کشورها به چنین بنیانهایی متکی باشد، تضمین موثرتری برای صلح وجود دارد. در این دیدگاه جنگ و افزایش هزینه‌های نظامی مانعی در برابر جاه‌طلبی تلقی می‌شود و حکومت باید حتی‌الامکان از ورود به چنین اوضاعی خودداری کند. (قنبرلو، ۱۳۸۵: ۴)

جهانی شدن پدیده‌ای است که پس از پایان جنگ سرد در ابعاد مختلف از جمله بعد اقتصادی رخ داد. چنین شرایطی با توجه به چارچوب تئوریک وابستگی متقابل پیچیده، بیانگر درهم تنیدگی منافع کشورها در سطوح ملی، فراملی و فراملی است که بازیگران دولتی و غیردولتی را شامل می‌شود و نتیجه آن تعریف منافع ملی کشورها در امتداد و در تعامل و همبستگی منافع سایر کشورهاست. با توجه به مطالب ارائه شده، در صورت تعامل و در هم‌تنیدگی بیشتر اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی، منافع و امنیت ملی دیگر کشورها در راستای منافع و امنیت ملی ایران قرار می‌گیرد و این مساله باعث کاهش هزینه تحقق اقتصاد مقاومتی در داخل و همچنین باعث کاهش تهدید نقاط آسیب‌پذیر و استراتژیک کشور می‌شود.

۲. اقتصاد مقاومتی و نظام اقتصاد سیاسی جهانی

الف. نظام اقتصاد سیاسی جهانی

طی چند دهه اخیر، نظام بین‌الملل شاهد آغاز دوران جدیدی با عنوان جهانی شدن می‌باشد که علاوه بر اینکه حاکمیت دولت‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده است، موجب ظهور بازیگران جدید در عرصه جهانی نیز شده است که بر اقتصاد جهانی حاکم شده‌اند. واکنش دولت‌ها به روند جهانی شدن متفاوت بوده است. بعضی از دولت‌ها در برابر این فرایند مقاومت کرده‌اند و برخی دیگر تلاش

می‌کنند با بسترسازی و ایجاد ظرفیت‌های مناسب سیاسی و اقتصادی، قابلیت انطباق پذیری بیشتری با جهانی شدن پیدا کنند. (متین جاوید، ارجمند: ۱۳۸۷)

اقتصاد سیاسی بین‌الملل با تاکید بر روابط متقابل اقتصاد و سیاست در واقع بر این نکته متمرکز است که بررسی توأمان این دو حوزه به صورت یک حیطه مطالعاتی واجد درک بهتری از تحولات ملی و بین‌المللی ارائه می‌کند. اقتصاد سیاسی بین‌الملل با توسعه شتابان اقتصاد بین‌الملل در دهه ۱۹۶۰ و علاقه فزاینده به ابعاد سیاسی آن، گسترش یافت. با فروپاشی شوروی و پایان یافتن جنگ سرد در ابتدای دهه ۱۹۹۰ ضرورت سیاسی-ایدئولوژیک جدایی مطالعاتی میان حوزه‌های اقتصاد و سیاست بیش از پیش تضعیف شد. همزمان با این تحولات دوران ساز، جهانی شدن که با ظهور نشانه‌های انقلاب ارتباطات و اطلاعات از دهه ۱۹۷۰ آغاز شده بود، در دهه ۱۹۹۰ به شکوفایی رسید. فرآیند جهانی شدن که اساساً بر پایه حرکت آزاد کالا، سرمایه، خدمات، ایده‌ها، افکار، عقاید و ... شکل گرفته است، تصویری از جهان جدید ارائه کرد که در آن هر پدیده‌ای با پدیده دیگر مربوط، تاثیرگذار و تاثیرپذیر است. با این تعریف، جدایی نظری و عملی میان حوزه‌های اقتصاد و سیاست بیش از پیش متزلزل شد. تحت تاثیر تحولات مذکور در جهان واقعی زمینه تقویت حوزه مطالعاتی اقتصاد سیاسی بین‌الملل فراهم آمد. گرانیگاه اقتصاد سیاسی، رابطه بین دولت و بازار است. از یک سو دولت می‌کوشد تا طبق اصول حاکمیت و تمامیت ارضی، تمام نیروهای فعال در حوزه انحصاری سرزمینی خود، از جمله اقتصاد (بازار) را تحت کنترل خود درآورد و به این ترتیب استقلال و وحدت سیاسی را حفظ کرده و قدرت ملی را افزایش دهد و از سوی دیگر بازار که مبتنی بر سازوکار قیمت‌ها، رقابت و مزیت نسبی است می‌کوشد تا موانع و محدودیت‌های عملکرد خودکار بازار، تجارت و مبادله آزاد را حذف کند. علی‌رغم تحولات نظری و عینی اقتصاد سیاسی بین‌الملل، همچنان کشمکش میان دولت و بازار و سهم هر یک از این دو در اقتصاد سیاسی بین‌الملل در عصر جهانی شدن ادامه دارد. (موسوی شقایب، ۱۳۸۶) بر این اساس جهانی شدن تنها دست اندازی ساده بازارها به حاکمیت دولت نیست، بلکه دولت‌ها، بازارها و دیگر بازیگران در قالب یک فرآیند ماهیت و روند جهانی شدن را شکل می‌دهند. در این مجموعه از اقتصاد سیاسی برای تبیین تغییر رابطه میان سیستم‌های سیاسی (ملی و بین‌المللی) و نیروهای اقتصادی استفاده می‌شود (سلطانی، ۱۳۸۱). بر همین اساس عناصر مهم جهانی شدن شامل بعد اقتصادی در گسترش

بازارها، بعد سیاسی آن در تغییر و تحول ماهیت سیاست‌ها و بازیگران آن و بعد اجتماعی آن که بر ظهور حرکت‌های سیاسی و اجتماعی جدید مبتنی است می‌باشد. در این زمینه سیاست‌گذاری ضرورتاً مستلزم فرسایش قدرت دولت‌ها نیست، بلکه آنچه تغییر کرده شیوه‌ای است که در آن دولت‌ها از قدرت و اقتدار خود برای مشارکت در رژیم‌هایی که خود ایجاد کرده‌اند چشم‌پوشی می‌کنند. با این حال دولت‌های قوی در این راستا از توانایی لازم برای دخالت در قوانین اقتصاد بین‌الملل و کنترل فرآیند ادغام در اقتصاد جهانی برخوردار هستند (Woods, 2000). به این ترتیب ساختار نظام وابستگی متقابل پیچیده سبب شده است تا سیاست و دیپلماسی دولت‌ها از همان اصول و اهدافی پیروی کنند که ساختارهای نظام اقتصاد سیاسی جهانی تعریف و تدوین می‌کنند. در نتیجه، تأثیرگذاری عوامل و عناصر فرهنگی و سیاسی و به ویژه اقتصادی در سطوح داخلی و خارجی در عصر حاکمیت نیروهای فراملی بر ماهیت سیاست خارجی و سمت و سوی دیپلماسی یکی از مهم‌ترین واقعیت‌هایی است که باید مورد توجه قرار گیرد. (پورا احمدی، ۱۳۸۶)

ب. تعریف مفهومی اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی انگاره‌ای است که مقام معظم رهبری پس از تحریم‌های یکجانبه سال ۲۰۱۲ میلادی که اردوگاه غرب علیه ایران وضع کرد، مطرح نمودند. پیام اصلی این انگاره این است که وابستگی اقتصادی کشور به نفت کاهش یابد تا اینکه غرب نتواند از این ضعف استفاده کند و به منافع جمهوری اسلامی ایران ضربه بزند. در واقع، اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است که هماهنگ با سیاست‌های کلان سیاسی و امنیتی نظام اسلامی و برای مقاومت در برابر اقدامات تخریبی شکل می‌گیرد تا بتواند در برابر ضربات اقتصادی تحریم‌ها و توطئه‌های گوناگون اقتصادی نظام استکبار مقاومت کرده و توسعه و پیشرفت خود را ادامه دهد و روند رو به رشد همه‌جانبه خود را در ابعاد ملی، منطقه‌ای و جهانی حفظ کند. اقتصاد مقاومتی رابطه نزدیکی با انسجام ملی دارد. منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته به طوری که کشور ضمن مقاومت در مقابل موانع و ناملازمات مسیر خود، روند پیشرفت پایدار خود را حفظ کند. این اقتصاد همانطور که یک اقتصاد خودکفا و خود اتکاست اما این خودکفایی به معنی منزوی بودن نیست. توجه به تولیدات

داخلی، استفاده از نیروی کار و سرمایه‌ی داخلی، اتکا بر اقتصاد «داناتی محور»، توجه خاص به تولید کالاهای اساسی و محصولات زیربنایی، مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی‌اند. در اقتصاد مقاومتی، جهت‌گیری سیاست‌های تجاری به کشورهای همسایه معطوف است؛ به فعالیت‌های اقتصادی همچون جهاد می‌نگریم؛ اصلاح الگوی مصرف و حرکت به سوی مصرف بهینه مدنظر است و توجه زیادی به تحقیقات کاربردی می‌شود.

در واقع اقتصاد مقاومتی در مقابل اقتصاد منزوی قرار دارد، اقتصاد مقاومتی از ویژگی استقلال و خودکفایی بهره‌مند است و تلاش می‌کند آسیب‌پذیری خود را به حداقل برساند و همچنین این اقتصاد، اقتصادی است که در تعامل با سایر اقتصادها قرار دارد، بدین معنی که این اقتصاد یک اقتصاد منزوی و بسته نیست. در چارچوب مفهومی اقتصاد مقاومتی چهار تقریر قابل طرح است:

اقتصاد موازی: تعریف اول از اقتصاد مقاومتی به مثابه «اقتصاد موازی» است؛ یعنی همان‌طور که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی، اقدام به تأسیس نهادهایی مانند کمیته امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و بنیاد مسکن نمود، امروز نیز بایستی برای تأمین اهداف انقلاب، این پروژه را ادامه داده و تکمیل کند؛ چرا که انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادهای مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد که چه بسا ماهیتاً از نهادهای رسمی اقتصادی بر نمی‌آید. پس باید نهادهایی موازی برای این کارویژه ایجاد کند.

اقتصاد ترمیمی: تعریف دوم از اقتصاد مقاومتی عبارت از اقتصادی که در پی «مقاوم‌سازی»، «آسیب‌زدایی»، «خلل‌گیری» و «ترمیم» ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است. یعنی اگر در رویکرد قبلی گفته می‌شد که فلان نهاد نمی‌تواند انتظارات ما را برآورده کند، رویکرد جدید به دنبال آن است که با بازتعریف سیاست‌های نهادهای موجود، کاری کند که انتظارات نظام را برآورند.

اقتصاد دفاعی: تعریف سوم از اقتصاد مقاومتی، متوجه هجمه‌شناسی، آفندشناسی و پدافندشناسی نظام در برابر آن هجمه است. یعنی باید ابتدا بررسی شود که مخالفان ما حمله به اقتصاد ایران و اخلال در آن را چگونه و با چه ابزارهایی صورت می‌دهند. بنابراین وقتی به اقتصاد مقاومتی دست یافته‌ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و بر اساس آنها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم. بدیهی است تا آفند دشمن شناخته نشود، مقاومت متناسب با آن نیز

طراحی و اجرا نخواهد شد.

اقتصاد الگو: چهارمین تعریف نیز این است که اساساً اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کوتاه‌مدت سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی نیست؛ بر خلاف سه تعریف قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه مدت می‌دانستند، این رویکرد چشم اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلند مدت را شامل می‌شود. (پیغامی، ۱۳۹۱)

پ. دیدگاه مقام معظم رهبری در مورد اقتصاد مقاومتی

مقام معظم رهبری در دیدارها و سخنرانی‌های خود، در مورد اقتصاد مقاومتی تعریف‌هایی را ارائه داده‌اند، در اینجا تلاش شده تا به برخی از این دیدگاهها اشاره شود. به عنوان نمونه: «بخش خصوصی را باید کمک کنند. اینکه ما اقتصاد مقاومتی را مطرح کردیم، خوب، خود اقتصاد مقاومتی شرایطی دارد، ارکانی دارد؛ همین سیاستهای اصل ۴۴ با تاکید و اهتمام و دقت و وسواس هر چه بیشتر باید دنبال شود؛ این جزء کارهای اساسی شماست. در بعضی از موارد، من از خود مسئولین کشور می‌شنوم که بخش خصوصی به خاطر کم‌توانی‌اش جلو نمی‌آید. خوب، باید فکری بکنید برای اینکه به بخش خصوصی توانبخشی بشود؛ حالا از طریق بانکهاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود. بالاخره اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکلهای مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند. یکی از شرایطش، استفاده از همه ظرفیتهای دولتی و مردمی است؛ هم از فکرها و اندیشه‌ها و راهکارهایی که صاحب‌نظران می‌دهند، استفاده کنید، هم از سرمایه‌ها استفاده شود. (سایت رهبری، بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیات دولت ۱۳۹۱/۶/۲)

به نظر می‌رسد که از الزامات اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری می‌توان به این موارد اشاره کرد؛ مردمی کردن اقتصاد، یعنی بخش خصوصی را توانمند کنند. کاهش وابستگی به نفت، این وابستگی میراث شوم صد ساله ماست. با گسترش صنایع دانش بنیان می‌توانیم این خلع را تا میزان

زیادی پرکنیم. مساله مدیریت مصرف یکی دیگر از ارکان و الزامات اقتصاد مقاومتی است، منظور از مدیریت مصرف یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. یکی دیگر از این موارد استفاده حداکثری از زمان و منابع است.

به علاوه رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارآفرینان کشور در ماه مبارک رمضان سال ۸۹ با اشاره به ضرورت توجه به مدل جدیدی از اقتصاد به نام اقتصاد مقاومتی تصریح کردند: «ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم. امروز کارآفرینی معنایش این است. دوستان درست گفتند که ما تحریم ها را دور میزنیم؛ بنده هم یقین دارم، ملت ایران و مسئولین کشور تحریمها را دور میزنند، تحریم کنندگان را ناکام می کنند؛ مثل موارد دیگری که در سالهای گذشته در زمینه های سیاسی بود که یک اشتباهی کردند، یک حرکتی انجام دادند، بعد خودشان مجبور شدند برگردند، یکی یکی عذرخواهی کنند.» (سایت رهبری، ۸۹)

ت. استراتژی های توسعه جهان سوم: توسعه صادرات و جایگزینی واردات

در مورد وضعیت توسعه یافتگی یا توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم تئوریهای مختلفی مطرح شده، از جمله این تئوریها، تئوری وابستگی است که دو استراتژی توسعه با عناوین «توسعه صادرات و جایگزینی واردات»، از جمله مهمترین محورهای آن است.

استراتژی توسعه صادرات، در واقع یک استراتژی برون نگر است یعنی در این استراتژی حرکت صنعتی شدن در تولید کالاهایی است که کشور در تولید آنها دارای مزیت نسبی است. این استراتژی در جهت گسترش تجارت آزاد عمل می کند. کشورهایی مانند مصر و چین از این استراتژی استفاده کردند. از جمله ویژگیهای این استراتژی عبارتند از، کاهش دخالت دولت در مسائل اقتصادی، دسترسی مصرف کنندگان به محصولات ارزانتر، دسترسی به بازارهای خارجی، افزایش کارایی بنگاههای داخلی، بالا رفتن امکان جذب سرمایه خارجی. (یاوری و سعادت، ۱۳۸۴: ۲۷-۲۵)

استراتژی جایگزینی واردات، اساسا جایگزینی واردات به معنی جایگزینی کالاهای تولید محلی با کالاهای وارداتی است. (Yilmazkuday Hakabn, 4) راهبردهای درون نگر عمدتا ناظر به بهره برداری از امکانات و منابع داخلی کشور برای رسیدن به درجاتی از خودکفایی و خوداتکایی است. بنا به تعریف

سازمان ملل متحد، سیاست جانسینی واردات عبارتند از، افزایش تولید داخلی یک کالای معین به نحوی که تولید آن در داخل کشور با نرخ سریع تر از وارد شدن آن محصول افزایش یابد تا اینکه به تدریج واردات آن محصول نسبت کمتری از عرضه داخلی را تشکیل می‌دهد. این استراتژی چند ویژگی دارد، از جمله، این استراتژی در راستای سیاستهای خوداتکایی است، در این استراتژی توانایی دولت در کنترل واردات افزایش می‌یابد، با توجه به سیاستهای حمایتی کالاهایی تولید میشود که کشور در آن فاقد مزیت نسبی است.

در ظاهر اقتصاد مقاومتی به عنوان اقتصاد خوداتکا بیشتر شبیه استراتژی جایگزینی واردات است اما نکته‌ای که دارای اهمیت است این است که برخی از کشورها مانند کشورهای آمریکای لاتین که این استراتژی را در سالهای گذشته انتخاب کردند، با شکست روبرو شدند. استفاده از این استراتژی در ایران در دوران پس از جنگ تحمیلی تا دوره آقای خاتمی نیز موفقیت‌آمیز نبوده است، لذا اگر بخواهیم اقتصاد مقاومتی را اقتصاد جایگزینی در نظر بگیریم در واقع راه رفته شکست خورده را دوباره امتحان می‌کنیم. لذا باید اقتصاد مقاومتی را ناظر بر انگاره استقلال اقتصادی از استراتژی جایگزینی واردات و ناظر بر تعامل و وابستگی متقابل با اقتصاد جهانی، ناظر بر استراتژی توسعه صادرات در نظر بگیریم.

ث. ضرورت اقتصاد مقاومتی در شرایط تحریم

تحریم ابزاری تنبیهی است که در سیاست خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف از تحریم فشار بر کشور هدف برای تغییر رفتار است. این تغییر رفتار می‌تواند، تغییر رفتار سیاسی یا تغییر سیاستهای اقتصادی باشد. (Carter, 1988: 4) اصولاً مکانیزم تاثیرگذاری سیاست تحریم علیه هر کشور، از طریق تحمیل هزینه های اقتصادی بر شهروندان کشور مذکور عمل می‌کند، تا از این طریق بر دولت فشار آورده شود، زیرا که انتظار می‌رود دولتمردان برای حفظ موقعیت خود متمایل به ترجیحات و خواسته‌های شهروندان شده و تغییر رویه دهند. (یارمحمدی، ۱۳۹۰)

با توجه به فشارها و تحریم های غرب، عده‌ای این وضعیت را وضعیت جنگ اقتصادی می‌دانند که اگر به درستی مدیریت نشود بسیار مخرب‌تر از جنگ نظامی است. مساله‌ای که در این میان حائز اهمیت است، مساله طول زمان تحریم‌هاست و این امر نیز وابسته به معادلات بین‌المللی است و در این شرایط

باید دقت کرد که اثر تحریم چه مقدار و چه قالبی است.

هدف غرب از تحریم اقتصادی ایران شکستن مقاومت جمهوری اسلامی ایران در موضوع پرونده هسته‌ای و همچنین در اهداف انقلاب ایران است. در واقع ایران به عنوان محور مقاومت در برابر اسرائیل و آمریکا، در منطقه شناخته می‌شود، لذا غرب خواهان این است که مانع الگو شدن ایران به عنوان محور مقاومت در منطقه شود.

آنچه که در این شرایط تعیین‌کننده است، انتخاب راهکاری برای غلبه بر این تحریم‌ها و فشارهاست. در کنار استفاده از ظرفیت‌های دیپلماتیک جهت زدودن آثار منفی و کاستن از سختی تحریم‌ها، در داخل کشور نیز باید راهکاری تعیین شود. با توجه به این شرایط ضرورت توجه به راهکار اقتصاد مقاومتی مشخص می‌شود. این نوع اقتصاد معمولاً در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف‌کننده یک کشور قرار می‌گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه، ایستادگی نموده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی سازی آن بر اساس جهان‌بینی و اهداف دارد. برای تداوم این نوع اقتصاد، باید هر چه بیشتر به سمت محدود کردن استفاده از منابع نفتی و رهایی از اتکای اقتصاد کشور به این منابع حرکت کرد و توجه داشت که اقتصاد مقاومتی در شرایطی معنا پیدا می‌کند که جنگی وجود داشته باشد و در برابر جنگ اقتصادی و همچنین جنگ نرم دشمن است که لزوم اقتصاد مقاومتی معنا پیدا می‌کند. (غفارپور و پورحاتمی، ۱۳۹۱)

بنابراین به نظر می‌رسد، مهمترین مولفه های اقتصاد مقاومتی؛ «پیشرفت و کاهش آسیب‌پذیری» در شرایط «مقاومت» در برابر جبهه استکباری است.

ج. دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

دیپلماسی اقتصادی مرتبط با موضوعات اقتصادی به عنوان ابزار سیاست خارجی می‌باشد. به طور خاص دیپلماسی اقتصادی مرتبط با به کار بردن توانایی‌های مادی از جمله تکنولوژی و پول و مذاکرات در مورد مسائل سیاسی با ابعاد اقتصادی از قبیل توافقات تجاری دوجانبه و چندجانبه در تعقیب منافع ملی است. (Kumar, 2008: 5) دیپلماسی اقتصادی در یک برداشت کلی به معنی استفاده از دیپلماسی برای اهداف اقتصادی است. به عبارت دیگر به منظور پیشبرد اهداف اقتصادی در صحنه رقابت جهانی استفاده

از تمامی ابزارها از جمله دیپلماسی حائز اهمیت است. در واقع کشورهای جهان برای آنکه بتوانند منافع اقتصادی خود را در صحنه بین‌المللی تأمین کرده و سهم مناسب تری از فرصت‌های اقتصادی بگیرند، از روابط سیاسی و اهرم‌های سیاسی خود استفاده می‌کنند. بنابراین در این راستا هدف روابط سیاسی این است که منافع یک کشور از جمله منافع اقتصادی آن تأمین شود. از آنجا که ابزارهای سیاسی و اقتصادی در چارچوب روابط خارجی دارای روابط متقابلی هستند، برای تأمین منافع ملی گاه باید از ابزارهای اقتصادی استفاده کرد. (عادلی، ۱۳۸۲: ۵۴) بنابراین مهمترین هدف دستگاه سیاست خارجی کشورها، باید تعیین استراتژی‌های لازم برای توسعه و تعمیق روابط سیاسی با سایر کشورها باشد زیرا که بدون روابط سیاسی مناسب با دیگران نمی‌توان وجود روابط اقتصادی گسترده‌ای را انتظار داشت. در واقع، دیپلماسی اقتصادی به مفهوم کارکردی کردن دیپلماسی در عرصه اقتصادی و به کارگیری توانایی‌های بالقوه و بالفعل دیپلماسی برای تحقق اهداف اقتصادی کشورهاست. (امینی و علمداری، ۱۳۸۸: ۱۶۰)

حاکم شدن منطق اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران منافع جدیدی در منطقه و جهان برای کشور پدیدار ساخته و فرصت‌های نوینی را ایجاد می‌کند (جوادی ارجمند، ۱۳۸۶: ۷۰) بر همین اساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه بر مبنای شاخص‌های موجود در دیپلماسی اقتصادی بیشتر سمت‌گیری اقتصادی بر بستری از اشتراکات فرهنگی بوده است. در این چارچوب وضعیت اقتصادی ایران و مسائل اصلی دستور کار دیپلماسی اقتصادی، شامل برنامه‌های توسعه اقتصادی، توسعه روابط اقتصادی با دیگر کشورها و دستیابی به بازارهای صادراتی، تلاش جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی و مشکلات پیش رو، همکاری منطقه‌ای، دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران، وضعیت ذخایر نفت و گاز، الزامات و مسئولیت‌های دیپلماسی اقتصادی ایران، ویژگی‌های ژئوپلیتیک ایران و منطقه قابل بررسی است. ایران با اتکا به ویژگی‌های ممتاز خود مترصد آن است که به محور ترانزیت کالا، خدمات و مسافر در منطقه تبدیل شود. (کیانی، ۱۳۸۹) یکی از اهداف و اولویت‌های جمهوری اسلامی ایران در جهت کاستن از فضای تنش در روابط خارجی و ارتقای امنیت ملی، همکاری با کشورهای منطقه بوده است. وابستگی متقابل پیچیده و چند جانبه، کشورها را در وضعیت مشروط از حیث منافع آشکاری که به جهت تداوم روابط دوجانبه و چندجانبه دارند، قرار می‌دهد. بنابراین با منافع

ملی تصریح شده‌ای که همواره از طریق وجود ثبات داخلی برآورده می‌شود، هر کدام از کشورها را در تداوم آرامش و ثبات داخلی در کشور دیگر برخوردار از منافع انکارناپذیر می‌سازد و از جنبه ایجابی تأمین امنیت ملی را تسهیل می‌کند. (پورا احمدی و ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۲۲) این در حالی است که رویکرد خارجی ایران به واسطه نگاه غالب سیاست‌گذاران به بازیگران برخوردار از حاکمیت، دولت‌ها، به طور آشکار بازدارندگی مبتنی بر تقابل است که به عنوان گفتمان برتر مطرح است. این موضوع نشان می‌دهد که ایران به عنوان کشوری ایدئولوژیک که غالباً از جانب قدرت‌های جهانی به واسطه تهدید، تحریم و... با ماهیت آن مبارزه می‌شود، منفعلانه به ناچار سیاست خارجی اش جذب راه‌های مقابله با تحریم‌ها و جلوگیری از انزوای آن (ذوالفقاری، ۱۳۸۷). در نتیجه فضای گفتمانی حاکم بر سیاست خارجی ایران متناسب با فضای گفتمانی تعامل نیست و همین امر منجر به عدم تناسب، عدم حضور نگاه اقتصادی کلان و بین‌المللی در جایگاه مناسب سیاست‌گذاری‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران است. (گزارش جمهور، ۱۳۸۷: ۵) نگاهی به وضعیت ایران در عرصه اقتصاد جهانی می‌تواند الزام اتخاذ دیپلماسی اقتصادی مناسب را نمایان سازد. در وضعیت موجود ایران با مشکلاتی در ارتباط با برقراری روابط بهینه اقتصادی با سایرین روبروست. از جمله اینکه ایران به جز سازمان آکو در هیچ سازمان منطقه‌ای اقتصادی دیگر عضو نیست و آکو نیز نتوانسته آن چنان موفق باشد، در منطقه خلیج فارس با کشورهای عرب منطقه نتوانسته به هیچ مکانیسمی از همکاری‌های منطقه‌ای دست یابد، با وجود سرمایه‌گذاری در بیش از دو دهه در عراق و افغانستان سهم شایسته‌ای از بازسازی این دو کشور به خود اختصاص نداده، به موافقت نامه جامعی در زمینه اقتصادی با مهمترین شریک تجاری اش یعنی اروپا نرسیده است، عدم استفاده از شرایط ژئوپلیتیک بی‌همتای خود و تبدیل شدن به مرکز صدور گاز به اروپا و ترانزیت انرژی از منطقه قفقاز و آسیای مرکزی به خلیج فارس و دریای عمان می‌باشد. دیپلماسی اقتصادی به ایران توانایی استخراج منابع ملی و بین‌المللی را بخشیده و شرایط را برای قرار گرفتن ایران در کانون تحولات اقتصادی منطقه فراهم می‌سازد. بر این اساس ایران با داشتن چهار پیش شرط در زمینه دیپلماسی اقتصادی می‌تواند به این مهم دست یابد. این چهار پیش شرط شامل: شناخت دقیق وضعیت موجود در سطح ملی و بین‌المللی، اجماع نظر میان نخبگان پیرامون وضعیت مطلوب، شناخت عمیق قواعد بازی در سطح ملی و بین‌المللی و اعتقاد و التزام به عمل و نه شعار است. بنابراین ایران نیازمند انجام مجموعه

اقداماتی است که دستیابی آن را به دیپلماسی اقتصادی کارآمد فراهم نماید. اقدام در سطح ملی: (۱) بازتعریف دیپلماسی، (۲) بازتعریف وظایف دستگاه دیپلماسی و دیپلمات‌ها، (۳) ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های سیاسی و اقتصادی، (۴) توجه به بخش خصوصی.

اقدام در سطح بین‌المللی: (۱) اتخاذ استراتژی مناسب، (۲) توجه به ژئوپلیتیک بی‌همتای ایران، (۳) ارتباط شایسته با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی اقتصادی، (۴) شناخت بازارهای هدف و برنامه ریزی برای آن، (۵) جذب سرمایه‌گذاری خارجی، (۶) توجه ویژه به ایرانیان خارج از کشور. (طباطبایی، ۱۳۸۸)

با توجه به موضوعات مطروحه، ایران با بهره‌گیری از مجموعه اقدامات یادشده در جهت نیل دسترسی به دیپلماسی اقتصادی و در نتیجه بهبود شرایط اقتصادی و سیاسی خود عمل می‌کند. در واقع ایران برای داشتن اقتصاد مقاومتی، باید دارای دیپلماسی اقتصادی قوی باشد.

ج. اقتصاد مقاومتی ایران در شرایط اقتصاد سیاسی جهانی

اقتصاد سیاسی جهانی پس از پایان جنگ جهانی دوم حوزه‌های تجاری، مالی و سرمایه‌گذاری را در بر می‌گیرد. گسترش تجارت پس از جنگ جهانی دوم بین کشورها بسیار محسوس بوده است. نقش تجارت در ادغام اقتصادی کشورها و حذف عوامل مختل‌کننده قیمت‌ها در سطح جهانی منجر به تخصیص بهینه منابع در سطح ملی و بین‌المللی می‌شود، بنابراین سیاست تجارت آزاد در مقابل سیاست‌های درونگر و خودکفایی قرار داشته است و از طریق وابستگی اقتصادی متقابل کشورها فرآیند ادغام اقتصادی (جهانی شدن) را تسهیل می‌کند. از جمله منافع حاصل از تجارت آزاد در این عصر می‌توان به فراهم آمدن زمینه اشتغال بهتر، دستیابی به بازارهای بزرگتر و کارآمدتر و بهینه کردن هزینه‌ها و دستیابی به سود بالاتر اشاره کرد. (بهکیش، ۱۳۷۹: ۲۵۷-۲۵۶)

یکی از ویژگی‌های جهانی شدن در دوران کنونی، ادغام گسترده بازارهای مالی ملی و گسترش دیگر فعالیتهای بین‌المللی است. در واقع استقلال و کارکرد بازارهای مالی ملی در عصر جهانی شدن به شدت تحت تاثیر عوامل مالی و پولی بین‌المللی کاهش یافته و کمترین نوسان یا تغییر در بازارهای مالی بزرگ آثار آن به نسبت در بازارهای مالی مختلف دنیا هویدا می‌گردد. این مساله یکی از زمینه‌های چالش حاکمیت ملی دولتها در مدیریت ساختار مالی و پولی آنها به شمار می‌رود، فعالیت و سازگاری در این فضا

از الزامات جهانی شدن اقتصاد است. (معاونت سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، ۱۳۸۲: ۱۱۵)

سرمایه اعم از مالی و پولی موتور محرک اقتصادی توسعه اقتصادی است، پس از دهه هفتاد رشد سرمایه‌گذاری خارجی بسیار چشمگیر بوده است به گونه‌ای که از رشد تجارت پیشی گرفته و تا مرز بیش از دوبرابر رشد صادرات کالا و خدمات ارتقاء یافته است، شرکت‌های بین‌المللی و سرمایه‌گذاری از طریق سرمایه‌گذاری خارجی با انتقال سرمایه، انتقال فناوری جهت کارایی اقتصادی، مهیا کردن دسترسی به بازارهای خارجی و انتقال فنون و مهارت اقتصادی زمینه لازم را جهت استفاده بهینه از سرمایه خارجی برای توسعه و ادغام فراهم می‌آورند. (پورا احمدی، ۱۳۸۲: ۶۱-۶۰)

با توجه به حوزه‌های مطرح شده در اقتصاد سیاسی جهانی، باید به این نکته اشاره شود که اقتصاد ایران هیچکدام از این حوزه‌ها را در بر نمی‌گیرد. با مطرح شدن اقتصاد مقاومتی در ایران و لزوم بازسازی اقتصاد کشور، در واقع این سیاست خواهان ارتباط با اقتصاد جهانی است. اقتصاد مقاومتی، پویا و فعال، به خارج از مرزها توجه داشته و با یک برنامه‌ریزی راهبردی ضمن تلاش برای خودکفایی کشور صادرات و رقابت در بازارهای جهانی را هم در افق برنامه‌های خود داشته است.

با توجه به سهم اندک جمهوری اسلامی ایران از تجارت جهانی رویکرد اقتصاد مقاومتی برای مقابله با تحریم‌های یکجانبه و افزایش امنیت سیاسی کشور توصیه می‌شود. اقتصاد مقاومتی در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته قرار می‌گیرد. اقتصاد مقاومتی نمی‌پذیرد که صرفاً مصرف‌کننده باشد، منفعل نیست و برای ایستادگی در برابر جریان مقابل تلاش دارد با رویکردی فعال به ادغام و درهم‌تنیدگی اقتصاد سایر کشورها با خود میزان آسیب‌پذیری‌ها را کاهش دهد.

اقتصاد مقاومتی دارای یک بعد داخلی و یک بعد بین‌المللی است. اقتصاد مقاومتی به معنای اقتصاد منزوی نیست، بلکه یک اقتصاد مستقل است. در شرایط وابستگی متقابل پیچیده و در هم‌تنیدگی منافع کشورها بعد بین‌المللی اقتصاد مقاومتی نیز به این مساله اشاره می‌کند، بدین معنا که ایجاد وابستگی متقابل بین اقتصاد کشور با اقتصاد سایر کشورها.

ازینرو جمهوری اسلامی ایران باید به منظور حفظ رونق اقتصادی کشور و همچنین بالا بردن ضریب امنیت سیاسی کشور به اتخاذ موضعی که مبتنی بر همکاری بین‌المللی است اقدام کند. در این راستا بهره‌گیری مناسب از دیپلماسی اقتصادی در چانه‌زنی‌های بین‌المللی ضمن پرهیز از در معرض قرار

دادن نقاط ضعف کشور توصیه می‌شود.

نتیجه‌گیری

پیرو جهانی شدن اقتصاد و درهم تنیدگی بازارهای اقتصادی جهان و مسلط شدن نئولیبرالیسم و به طور کلی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی اصلی‌ترین راهکار حفظ و گسترش امنیت، ایجاد و تقویت وابستگی متقابل پیچیده اقتصادی در میان کشورهاست. با ارتباط پیدا کردن اقتصاد یک کشور با سایر کشورها امکان تهدید و آسیب‌رسانی به آن کشور کاهش می‌یابد، زیرا هزینه این تهدید و یا تحریم برای سایر کشورها بالا می‌رود. در دنیای جهانی شده با تعاملات متقابل نمی‌توان حریف را متحمل آسیب کرد و از هر نوع آسیبی مصون ماند روی دیگر وابستگی متقابل پیچیده را می‌توان آسیب‌پذیری متقابل دانست. با توجه به سهم اندک جمهوری اسلامی ایران از تجارت جهانی رویکرد اقتصاد مقاومتی برای مقابله با تحریم‌های یکجانبه و افزایش امنیت سیاسی کشور توصیه می‌شود. اقتصاد مقاومتی نمی‌پذیرد که صرفاً مصرف‌کننده باشد، منزوی نیست، منفعل نیست و برای ایستادگی در برابر جریان مقابل تلاش دارد با رویکردی فعال به ادغام و درهم تنیدگی اقتصاد سایر کشورها با خود، میزان آسیب‌پذیری‌ها را کاهش دهد.

منابع فارسی

- امینی، آرمین و سهراب انعامی علمداری (۱۳۸۴)، «دیپلماسی و اقتصاد، الگوی مناسب جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا ۱۳۸۴-۱۳۷۶»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، شماره ۸، پاییز.
- بهکیش، محمد (۱۳۸۹)، *اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن*، تهران: نشر نی.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۲)، «جمهوری اسلامی ایران و تعامل با نظام اقتصادی جهانی: توسعه و ضرورت اصلاحات اقتصادی سیاسی»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال اول، شماره دوم، زمستان.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۶)، «اقتصاد سیاسی، دیپلماسی کارآمد در نظام جهانی، مبانی، ابزارها و راهکارها»، *دانش سیاسی*، دوره ۳، شماره ۵، پاییز.
- پوراحمدی، حسین و مهدی ذوالفقاری (۱۳۸۸)، «دیپلماسی انرژی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه دانش سیاسی*، سال ۵، شماره ۱، بهار و تابستان.
- پیغامی، عادل (۱۳۹۱)، «اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دفاعی یا ترمیمی»، *سایت رهبری*، ۵ مرداد، در: <http://www.farsi.khamenei.ir/ithers-note?id=20551>
- جکسون، رابرت و گئورگ سورنسون (۱۳۹۰)، *در آمدی بر روابط بین الملل*، تهران: نشر میزان، چاپ سوم.
- سلطانی، علیرضا (۱۳۸۱)، «جهانی شدن از دیدگاه اقتصاد سیاسی»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۲۵، پاییز.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۶)، *نظریه های گوناگون درباره جهانی شدن*، تهران: سمت، چاپ دوم.
- طباطبایی، سیدعلی (۱۳۸۸)، «بایسته های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در عصر جهانی شدن»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال دوم، شماره ۵، پاییز.
- عادل، سیدمحمدحسین (۱۳۸۲)، «رویکرد نوین در تأمین پایداری قدرت و امنیت ملی»، *مجله روند اقتصادی (دیپلماسی اقتصادی)*، شماره ۲.
- غفارپور، داوود و زهره پورحاتمی (۱۳۹۰)، «اقتصاد مقاومتی، ضرورت مقاومت اقتصادی»، سایت سازمان امور اقتصادی و دارایی مرکزی، در:

<http://www.mk.mefa.ir/portal/home/showpage.aspx?object>

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال نهم، شماره بیست و چهارم، پاییز ۱۳۹۲

- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۵)، «ثبات هژمونیک در استراتژی اقتصادی- نظامی ایالات متحده آمریکا»،
فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره چهارم، زمستان.

- کیانی، مهرداد (۱۳۸۹)، «دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی»، *فصلنامه علوم سیاسی: مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۷۱، پاییز.

- گزارش جمهور (۱۳۸۷)، «کاهش بودجه سالانه نفت در دولت نهم؛ رویکردها و دستاوردها»، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، شماره ۲۴، ۵۴ شهریور.

- متین جاوید، مهدی و محمدجعفر جوادی ارجمند (۱۳۸۷)، «جهانی شدن اقتصاد و پیامدهای آن بر سیاست گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۳۸، شماره ۳.

- معاونت سیاست خارجی و روابط بین الملل (۱۳۸۲)، «ایران، دیپلماسی اقتصادی جهانی شدن اقتصاد»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۲۷، بهار.

- موسوی شفاپی، سیدمسعود (۱۳۷۶)، «اقتصاد سیاسی بین المللی در عصر جهانی شدن»، *معاونت پژوهش های سیاست خارجی: گروه مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل*، شماره ۷، خرداد.

- مهدی ذوالفقاری، مهدی (۱۳۸۷) «دیپلماسی انرژی: مصاحبه با سهراب شهابی»، در *سایت وزارت امور خارجه*، ۲۰ شهریور.

- یارمحمدی، ناصر (۱۳۹۰)، «آیا تحریم های اقتصادی علیه ایران تاثیر گذارند؟»، *دنیای اقتصاد*، ۴ مهر،

در: http://www.donya_e_eqtesad.com/Default_view.asp?@=270870

- باوری، کاظم و رحمان سعادت (۱۳۸۴)، «اثر سرمایه گذاری خارجی بر رشد اقتصادی ایران: راهبردهای جایگزینی واردات و توسعه صادرات»، *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)*، شماره ۲۷.

- <http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtid=05&depid=44>

- <http://www.ensani.ir/fa/content/296333/default.aspx>

- <http://www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1007716> 89/شهریور

- <http://www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20831291>/شهریور

- <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=139104260013162791/>تیر/
- http://www.fiu.edu/hyilmazk/research_files_ls.pdf2
- <http://www.hamshahrionline.ir/details/1812172591/>مرداد/
- <http://www.ifa.org.np/pdf/diplimacy.pdf>
- <http://www.ireconomy.ir/fa/page/84024/91/>آبان

English Source

- Carter, Barry E. (1988), *International Economic Sanction: Improving the Haphazard U.S legal Regime*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Keohan, Robert O. (1984), *After Hegemony: Cooperation and Discordthe World Political Economy*, New Jercey: Princeton University Press.
- Kumar Dahal, Madan and Mohan Man Sainju and etal (2008), “Nepal a Generic Guideline for Development Through Economic Diplomacy”, *Institution of Foreign Affairs Kathmandu*.
- Woods, Ngaire (2000), *The Poitical Economy of Globalization*, London: Macmillan Press (LTP).